

The impact and relationship between the ears and eyes on spiritual health of the heart from the perspective of Imam Ali (AS)

Nasser Khodayari Shoti (PhD)^{1*}, Majid Aslanabadi (MA)¹

1. Department of Basic Sciences, Faculty of Paramedicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Article Type: **Background and aim:** The main purpose of this research is to express the interaction between ear and eye and the spiritual health of the heart of the individual and society. The research is novel from this point of view.

Review Paper

Materials and methods: Investigating the relationship between the contents of the ears and eyes with the spiritual health of the individual and society in the statements of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha and its explanations such as Sobhi Saleh and Shushtri and other narrations attributed to the Imam such as Bihar al-Anwar by Allameh Majlisi constitute the methods of conducting this research.

Findings: The results of the study showed that in these sources, ear is not just the ability to hear and eye is not just the ability to see; rather, it means the function of ears and eyes in relation to the spiritual health of the individual and society and it reveals the significant relationship between the ears and eyes and the spiritual health and illness of the individual and society and the interaction between them.

Received:

1 June 2024

Revised:

16 Nov. 2024

Accepted:

23 Nov. 2024

Published Online:

9 Dec. 2024

Conclusion: From the perspective of Imam Ali, the truth of existence of each individual and consequently the society depends on its improvement through ears and eyes, and all this depends on factors such as: remembering death, preaching, listening to beneficial science, and on the other hand, mastering the ego and avoiding literalism. The ear, eye and heart of the individual and the society are in mutual interaction and in general, these audio and visual inputs reveal the secrets in the heart of the individual and the society.

Keywords: Function, Ears, Eyes, Heart, Spiritual health, Imam Ali (AS)

Cite this article: Khodayari Shoti N, Aslanabadi M. The impact and relationship between the ears and eyes on spiritual health of the heart from the perspective of Imam Ali (AS). Islam and Health Journal. 2024; 9(1): 30-43.



© The Author(s).

Publisher: Babol University of Medical Sciences

*Corresponding Author: Nasser Khodayari Shoti

Address: Department of Basic Sciences, Faculty of Paramedicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

E-mail: khodayarin@tbzmed.ac.ir

تأثیر و ارتباط گوش و چشم بر سلامت معنوی قلب از منظر امام علی (ع)

ناصر خدایاری شوطی (PhD)^{۱*}، مجید اصلان آبادی (MA)^۱

۱. گروه علوم پایه، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

<p>نوع مقاله: مقاله مروری</p> <p>سابقه و هدف: هدف اصلی این پژوهش بیان برهم‌کنش گوش و چشم و سلامت معنوی قلب فرد و جامعه، می‌باشد. پژوهش از این منظر بدیع می‌باشد.</p> <p>مواد و روش‌ها: بررسی رابطه محتوای گوش و چشم با سلامت معنوی فرد و جامعه در بیانات امام علی (ع) در نهج‌البلاغه و شروح آن همچون صبحی صالح و شوشتری و سایر روایات منسوب به امام همچون بحارالانوار علامه مجلسی، شیوه انجام این تحقیق می‌باشد.</p> <p>یافته‌ها: نتایج بررسی نشان داد که منظور از گوش، صرفاً قوه شنوایی و از چشم، قوه بینایی نیست؛ بلکه منظور کارکرد گوش و چشم در ارتباط با سلامت معنوی فرد و جامعه و رابطه معنادار بین دریافتی‌های گوش و چشم و سلامت و بیماری معنوی فرد و جامعه و برهم‌کنش آن‌ها می‌باشد.</p> <p>نتیجه‌گیری: از منظر امام علی حقیقت وجود هر فرد و به تبع آن جامعه در گرو تغذیه آن از طریق واردات گوش و چشم است و این همه در گرو عواملی همچون؛ ذکر مرگ، موعظه، گوش دادن به علم سودمند و از سوی تسلط بر هوای نفس و اجتناب از لغوگرایی می‌باشد. گوش، چشم و قلب فرد و جامعه در برهم‌کنش متقابل هستند و واردات گوش و چشم و به‌طور کلی واردات سمعی و بصری در مکنونات قلبی فرد و جامعه تبلور پیدا می‌کند.</p> <p>واژگان کلیدی: کارکرد، گوش، چشم، قلب، سلامت معنوی، امام علی (ع)</p>	<p>دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۲</p> <p>ویرایش: ۱۴۰۳/۸/۲۶</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۳</p> <p>انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۹</p>
--	---

استناد: ناصر خدایاری شوطی، مجید اصلان آبادی. تأثیر و ارتباط گوش و چشم بر سلامت معنوی قلب از منظر امام علی (ع). نشریه اسلام و سلامت. ۱۴۰۳؛ ۹(۱): ۳۰-۴۳.



© The Author(s)

Publisher: Babol University of Medical Sciences

* مسئول مقاله: ناصر خدایاری شوطی

آدرس: تبریز، خیابان دانشگاه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پیراپزشکی، گروه علوم پایه.

رایانامه: khodayarin@tbzmed.ac.ir

مقدمه

مستند اصلی پژوهش حاضر، این جمله امام علی (ع) است که می‌فرماید: «چشم، دفتر دل است» (۱). به‌راستی چگونگی ارتباط معنوی چشم و دل بسیار حائز اهمیت می‌نماید و در همین جهت ایجاب می‌کند که این پژوهش به بررسی برهم کنش گوش، چشم و سلامت معنوی قلب در ضمن خطبه‌ها، نامه‌ها و بخش حکمت نهج‌البلاغه و شروح نهج‌البلاغه همچون؛ صبحی صالح و شوشتری و سایر روایات منسوب به امام همچون بحارالانوار علامه مجلسی بپردازد. از لابلای بررسی منابع و شرح‌های مزبور در مورد ارتباط متقابل گوش و چشم و دل می‌توان به نکات و ریز موضوعات مهمی اشاره نمود؛ در مقاله "چشم از دیدگاه مولانا در مثنوی معنوی" در مورد چشم به عنوان ابزار مشاهده ظاهر عالم مادی و هم وسیله‌ای برای مشاهده باطن جهان اشاره شده است (۲).

در شرح نهج‌البلاغه موسسه اهل‌البیت علیهم‌السلام با استناد به آغاز خطبه ۸۷ در بیان اوصاف پارسایان و روشنایی دل ایشان می‌فرماید: «ای بندگان خدا، محبوب‌ترین بندگان خدا در نزد او بنده‌ای است، که خدایش در مبارزه با نفس یاری دهد. پس اندوه را جامه زیرین خود سازد و خوف را پوشش رویی. چراغ هدایت در دلش افروخته است» (۳).

نگاه به چشم دل تنها تعبیر شاعرانه‌ای نیست، حقیقی است و علاوه بر کلام الهی در سنت پیامبر پیامبر اسلام (ص) وارد شده است (۴). اگر پیشوای حقیقی با بصیرت و چشم باطن در دنیا شناخته شود و از او پیروی شود، در آخرت نامه اعمال در دست راست انسان قرار گرفته و شادمان، همراه امام بر حقی که برگزیده در پیشگاه خداوند حاضر می‌شود و از نعمت‌های بیکران و غیرقابل توصیف او بهره‌مند خواهد گردید (۵). علامه محمد تقی مصباح یزدی در تعریف عرفان به دل تمسک می‌جوید؛ عرفان، به آن معرفتی گفته می‌شود که بی‌واسطه باشد. «تراه القلوب بحقائق الایمان» خود دل با تمام وجودش خدا را بیابد، نه این‌که از راه فکر و معنا و مفهوم بی به خدا ببرد (۶).

امروزه قدرت فردی و اجتماعی در انتساب افراد به یک گروه یا طبقه اجتماعی خاص خلاصه نمی‌شود. قدرت دست کسانی است که گوش و چشم فرد و جامعه را تغذیه می‌کنند. چه کسانی و چگونه این مهم را بر عهده دارند. حواس پنج‌گانه انسانی علاوه بر اینکه هر یک دارای کارکرد مخصوص به خود می‌باشند از یک روابط ارگانیکی نیز برخوردار می‌باشند. تعامل فیما بین حواس مذکور هم از نظر فیزیکی و مادی است و هم از نظر معنوی. یعنی برخی حواس در یک برهم کنش کمی و کیفی فعالند. در این میان برهم کنش برخی از حواس همچون گوش و چشم و قلب و تاثیر آن بر سلامت معنوی قلب و روح به منزله حقیقت وجودی انسان بسیار حائز اهمیت می‌نماید (۷).

آنچه شایسته بررسی است کارکردهای معنوی و روابط معنوی گوش، چشم و دل در وجود انسانی است که چگونه واردات سمعی و بصری، محتوا و مکنونات قلبی انسان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد؟ نوآوری پژوهش در بیان این نکته است که سلامت معنوی قلب به عنوان متغیر وابسته در گرو یک سری عوامل ایجابی و سلبی فیزیکی خود انسانی یعنی محتوای سمعی و بصری فردی و اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مستقل، و تا حدودی در اختیار انسانی است. رویکرد امام علی (ع) به این مساله چگونه است. به‌طور مثال، گوش و پرده گوش، بصر و بصیرت، چشم دل، چشم ظاهرین و چشم باطنین، قلب سلیم و غیرسلیم مفید چه معنایی در ادبیات نهج‌البلاغه و سایر روایات منتسب به ایشان در این خصوص می‌باشند؟ امام علی (ع) این مهم‌ها را در قالب کلمات مفرد که افاده جمع می‌کنند بیان نموده‌اند. یعنی مفاهیمی که در ظاهر مخاطب آن‌ها یک نفر بیشتر نیست ولی در حقیقت به مفهوم خطاب جمعی و اجتماعی می‌باشند. از این منظر منظور از گوش را علاوه بر گوش فردی به‌عنوان رسانه‌های سمعی و منظور از چشم را رسانه‌های بصری باید لحاظ نمود: «اگر با چشم دلت به توصیف‌هایی که از بهشت برای تو می‌شود نگاه کنی، نسبت به شهوات و لذات دنیا بی‌رغبت شده، دلت مفتون جلوه‌ها و جاذبه‌های بهشت برین و باغ‌ها، درخت‌ها، میوه‌ها و لذت‌های آن خواهد شد...» (۸).

امام علی (ع) در مورد عجایب و شگفتی‌های جسمانی انسان می‌فرماید: «از این انسان تعجب کنید که با یک قطعه پیه می‌بیند، با قطعه گوشتی سخن می‌گوید، با استخوانی می‌شنود و از شکافی تنفس می‌کند!» (۸).

امام علی (ع) در مورد بصیرت و اهمیت بصیرت می‌فرماید: «اینان به نور بیداری، در دل‌ها و چشم‌ها و گوش‌ها نور می‌افشانند. اینان پرده‌ی آن جهان را از جلوی چشم مردم دنیا برداشته‌اند. گویا ایشان چیزهایی را می‌بینند که مردم نمی‌بینند و می‌شنوند آنچه را که دیگران نمی‌شنوند» (۹). آن حضرت در بی‌بصیرتی برخی از یاران خود می‌فرماید: «گرفتار کسانی شده‌ام که با آنکه گوش دارند، کُردند، با آنکه زبان دارند، لالند و با آنکه چشم دارند، کورند» (۱۰).

امام علی در وصف ابوذر می‌فرماید: «در گذشته برادری دینی و خدایی داشتم و آنچه او را در چشم من بزرگ می‌نمود، کوچکی دنیا در چشم او بود...» (۱۱).

و علی (ع) در مورد بیماری معنوی قلب فرمود: «بدانید که یکی از بلاها تهیدستی است و بدتر از تهیدستی بیماری تن است و بدتر از بیماری تن بیماری دل است. بدانید که [از نعمت‌هاست گشایش در مال و برتر از گشایش در مال تندرستی است و] برتر از تندرستی پرهیزگاری است» (۱۲).

امام علی علیه‌السلام در مورد رابطه دیده و دل بیان بدیعی دارند: «دل به منزله دفتر چشم است» (۱). گوش و چشم به منزله دو در برای دل هستند و راه نفوذ به آن، بنابراین کسانی که می‌خواهند دلی پاکیزه داشته باشند، باید کنار خانه دل بنشینند و بیگانگان را به آن راه ندهند. دل دفتر یادداشت چشم است دیدنی‌ها همگی روی صفحه دل نقش می‌گذارد. اگر دیدنی‌ها مطبوع و ارزشمند باشند و از منظر خدا و رسول و کتاب و عترت مطلوب دل به انسان حیات تازه می‌دهد و انسان را متعالی می‌سازد.

حافظ (۱۳) در ضمن غزلی به هماهنگی چشم و دل اشاره می‌کند:

چون ذوق یافت دل منبه ذکر آن محبوب

مراست تحفه جان بخش غمزدا حافظ

اگر دیدنی‌ها ارزشمند و مطلوب دل پاک باشند به انسان حیات تازه می‌دهد و انسان را متعالی می‌سازند (۱۴).

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سلامت معنوی قلب افراد و روح و روان جامعه با محتواهای سمعی و بصری فردی و اجتماعی است. به عبارتی دیگر چشم و گوش افراد با هر محتوای سمعی و بصری که در ارتباط است، و همین‌طور راهکارهایی که در جهت طهارت مرأی و مسمع‌ها به کار می‌بندد، سلامت معنوی قلب و یا روح و تن جامعه را تهدید و یا تامین می‌نمایند.

مواد و روش‌ها

بررسی کاربرد واژه‌هایی همچون سمع، بصر، قلب، و برهم‌کنش آن‌ها در ضمن خطاب‌های جمعی امام امیرالمومنین در نهج‌البلاغه، غررالحکم و دررالکلم و سایر منابع حدیثی و پژوهش در مورد ارتباط هر یک از مضامین هر یک روشی است که پژوهش در این نوشتار بر آن اساس صورت گرفته است.

یافته‌ها

۱- مفاهیم

الف) گوش (سمع):

السمع در لغت عربی به معنای گوش دادن، حس شنوایی، گوش، چیزی که شنیده می‌شود، ذکر شنیده‌شده آمده است (۱۵). گوش به چند معنی آمده است: ۱- عضو شنوایی. ۲- گوشه، زاویه؛ از چیزی گرفتن، آن چیز را ترک کردن، به آن چیز بی‌توجهی کردن؛ ~ کسی بدهکار نبودن کنایه از: به .. عضو حس سامعه است و درک اصوات خارجی را می‌نماید. این عضو از سه قسمت تشکیل شده است: گوش خارجی، گوش میانی و گوش داخلی (۱۶). در هیچ کجای قرآن سمع به صورت جمع به کار برده نشده است؛ حال آنکه دیگر حواس اینگونه نیستند. از نظر ابن آشور سمع مصدر است و معنای جمع را دارد و وقتی به ضمیر مخاطبان اضافه می‌شود، عمومیت پیدا می‌کند (۱۷). «کر باد، گوش‌ی که بانگ بلند حق را نشنود» (۱۸). و یا «رحمت خداوند بهره کسی باد، که سخنی حکمت‌آمیز بشنود و آن را نیک دریابد» (۱۹).

گوش دل: مولانا به گوش دیگر به نام «گوش دل» چنین اشاره می‌نماید:

به تو دل چگونه پوید نظرم چگونه جوید

که سخن چگونه پرسد ز دهان که تو کجایی

تو به گوش دل چه گفتی که به خنده‌اش شکفتی

به دهان نی چه دادی که گرفت قندخایی (۲۰).

گوش دل و جان نیز دارای مراتب متعدد می‌باشد. مرتبه نازله گوش دل، اصوات و مسموعات برزخی و مثالی را در خواب یا بیداری می‌شنود. مراتب بالاتر، گوش جان، تسبیح موجودات و تکلم آنها را در مراتب مختلف می‌شنود. و گوش جان در مرتبه‌ای، کلام ملانکه و روح اعظم را می‌شنود. گوش جان در مرتبه‌ای هم وحی را با واسطه یا بی واسطه می‌شنود. این چنین نیست که اگر کسی بعضی از صداها و نداها را شنید و بعضی از مسموعات پشت پرده برای وی مکشوف گشت، بتواند تسبیح موجودات را بشنود و بفهمد (۲۱).

امام علی ع در مورد استعداد چشم و گوش برای دیدن حق و شنیدن سخن حق می‌فرماید: «حقیقت به شما نشان داده شده است اگر چشم بینا داشته باشید، و وسایل هدایت در اختیار شماست اگر هدایت‌پذیر باشید، و صدای حق در گوش شماست اگر گوش شنوا داشته باشید» (۲۲). آن حضرت در مقام موعظه

فرمود: «و در کارها ریا و تظاهر و خودنمایی به خرج ندهید، چون هر کس کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند او را به همان کس و او می‌گذارد!» (۱۹). و در فراز دیگری می‌فرماید: (اعمال خود را از ریا و سُمعه، پاک کنید! چرا که هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند، او را به همان کس واگذارد) (۱۹). امام علی (ع) در خطبه همام به وجود گوش‌ی به نام "گوش دل" چنین اشاره فرموده است: «هرگاه به آیه‌ای برخورد کنند که در آن بیم باشد، گوش‌های دل خویشان را برای شنیدن آن باز می‌کنند» (۲۳).

(ب) چشم (بصر):

چشم انسان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین اندام‌های حسی است که تمامی افراد از آن برخوردار هستند. چشم انسان اندامی است که از بیش از ۲ میلیون قطعه ساخته شده که با هم کار می‌کنند و همچنین دروازه ورود به یکی از حواس پنج‌گانه ما به نام بینایی است که به وسیله این اندام مهم قادر به تجسم اشیا و همچنین درک نور، رنگ و عمق اجسام مختلف هستیم. یک چشم طبیعی انسان می‌تواند حدود ۱۰ میلیون رنگ مختلف را ببیند (۲۴). چشم در ادبیات قرآنی صرفاً برای دیدن ظواهر عالم نیست، شخص دارای بصر و بصیرت از همدیگر متفاوت و متمایز می‌نمایند. امام علی ع در مورد تعریف شخص بصیر می‌فرماید: «بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد، ببیند و بینا شود و از عبرت‌ها بهره گیرد. سپس راه آشکار و روشن را در پیش گیرد و از افتادن در پرتگاه‌های آن، بپرهیزد (۲۵). در قرآن کریم به موانع بصیرت اینگونه اشاره شده است. «(به او خطاب می‌شود): تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!» (۲۶).

قرآن کریم در مورد مهر گوش و پرده چشم می‌فرماید: «(ای رسول ما) آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را دانسته (و پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده؟ پس او را بعد از خدا دیگر که هدایت خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟» (۲۷).

همانند چشم دل به چشم برزخی نیز اشاره شده است. در متون دینی اسلامی به انواع شناخت اشاره شده است که چشم برزخی در زمره سومین نوع از شناخت بیان شده است. انواع شناخت:

شناخت حسی (که به وسیله حواس پنج‌گانه دریافت می‌شود).

شناخت عقلی (مانند منطق و فلسفه).

شناخت شهودی (که از راه عرفان و شهود به دست می‌آید).

چشم برزخی؛ خداوند به چه افرادی چشم برزخی عطا می‌کند؟ چشم برزخی در دسته سوم شناخت‌ها قرار می‌گیرد و راه رسیدن به آن فقط تزکیه دل و تقوای الهی می‌باشد (۲۸).

امام علی (ع) درباره دنیا فرموده است: «چه گویم از خانه‌ای که اولش رنج و آخرش نابودی است؛ هر کس با آن نگاه کند او را صاحب بصیرت گرداند و هر کس به آن نگاه کند کورش نماید» (۲۹).

باء در «بهاء» برای سبب و وسیله است یعنی کسی که به وسیله دنیا، به دنیا نگاه کند، بی‌وفایی آن را و رفتن گذشتگان و توفیق نیکوکاران و عاقبت ستمگران را، می‌بیند و این بینش او را با بصیرت می‌کند ولی آن که به دنیا نگاه کند و مشغول لذات آن باشد از هر چیز غافل می‌ماند و دنیا او را کور می‌کند.

همچنین درباره حکمین فرموده است: «آن‌ها حق را با آن که می‌دیدند ترک کردند، خواسته آن‌ها جور و رایشان کج بود» (۳۰).

همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «بصیرت و بینائی من با من است، من نفسم را به اشتباه نینداختم و بر من مشتبه نشده است» (۳۱).

(ج) دل (قلب):

ماهیت قلب از نظر قرآن و امام علی علیه‌السلام همان نفس و روح آدمی است و قلب در دست خداست. از این رو عضو حیاتی انسان، قلب و امور باطنی است که اگر درون انسان اصلاح گردد، ظاهر پیرو است؛ اما عکس آن صادق نیست. آدمی می‌تواند به قلب خود از طریق قرآن و وحی الهی شکوفایی و حیات ببخشد، و آن را با معارف الهی عجین کند (۳۲). تأملی در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که تکرار واژه قلب در خطبه‌ها ۳۶ مورد، در نامه‌ها ۴ مورد، در حکمت‌ها ۱۱ مورد می‌باشد. مفسرین و فقهاء‌الحديث، در مقام تبیین آیات و روایات و توضیح این واژه در زمینه اینکه در اصل برای چه معنایی وضع شده، مطالبی اظهار داشته‌اند و لغت‌شناسان نیز گفته‌اند که کلمه قلب با تقلب و قلب و انقلاب که به معنی تغییر و تحول و زیر و رو شدن است، هم خانواده بوده که این دگرگونی در قلب به معنای اندام بدن که دائماً در آن، خون در حال زیر و رو شدن است و قلب به معنای اخلاقی و اسلامی‌اش هم مشاهده می‌شود (۳۳).

منظور از دل در تعابیر مختلف همان قلب است؛ در واقع تعبیر «دل» ترجمه فارسی «قلب» است که البته اکنون هر دو تعبیر در زبان فارسی رواج دارد؛ اما در هر حال این دو تعبیر مشابه، غالباً در چند معنا به کار می‌روند؛ در واقع در یک نگاه کلی دل یا قلب دو مفهوم مختلف فیزیکی و اخلاقی دارد (۳۲).

مترادف قلب در فرهنگ لغت آپادیس در معانی آتی به کار برده شده است: دل، فواد، باطن خاطر، ذهن، بدل، تقلبی، شهروا، قلبی، ناسره، مرکز، میان، وسط، تقلب، تحریف (۳۴).

در نهج البلاغه ۵۳ بار با الفاظ مختلف به واژه قلب اشاره شده است و بیشترین کاربرد آن اجتماعی، اخلاقی، اعتقادی و تربیتی است. در چند جا به قلب صنوبری اشاره شده است. امام علی در فرازی دیگر از حکمت می‌فرماید: به رگ دل انسان، پاره گوشتی آویخته است که از شگفت‌ترین چیزهاست و آن قلب اوست که در آن مایه‌هایی از حکمت است و مایه‌هایی ضد آن و خلاف آن (۳۵).

هرگاه امیدواری به او روی آورد، آزمندی خوارش می‌سازد و اگر آزمندی به او روی نهد حرص تباهش کند و اگر نومی‌دی بر آن دست یابد، تأسف او را بکشد و اگر خشم بر او مسلط شود، کینه‌توزیش شدت گیرد و اگر خشنودی و رضا سبب سعادتش شود، خویشتنداریش را از دست بدهد و اگر وحشت‌گریانش را بگیرد، حذر از کار به خود مشغولش دارد و اگر امن و آسایش نصیبش شود، غرور و غفلتش برآید. اگر مالی بدستش آفتد، بی‌نیازی به سرکشیش وادارد. اگر مصیبتی به او رسد، بیتابی رسوایش گرداند و اگر به فقر دچار آید، به بلا آفتد، اگر گرسنگی او را بیازارد، ناتوانی از پایش در اندازد. اگر در سیری افراط کند، پری شکم آزارش دهد. اگر در کاری کوتاه آید، زیان اوست و اگر از حد گذراند، مایه فسادش باشد (۳۵).

د) خطاب جمع به لفظ مفرد:

خطاب جمع به لفظ مفرد، خطاب کردن بیش از دو چیز با صیغه مفرد است. خطاب جمع به لفظ مفرد یعنی لفظ مفرد می‌آورد و از آن قصد جمع می‌کند (۳۶).

آقای محمد تقی فعالی ضمن مقاله خود تحت عنوان «قلب» به قلب جمعی اشاره کرده‌اند: اگر قلب‌ها متحد شوند با تعداد اندک هم می‌توان کارهای بزرگ کرد. حضرت از مشاجره قلبی شکوه می‌کند و می‌گوید از ویژگی‌های اهل آخرالزمان یکی این‌که دوستی زبانی است اما قلب‌ها از طریق کینه‌ها و دشمنی‌ها با یکدیگر به مشاجره برمی‌خیزند (۳۲).

۲- حیات معنوی قلب و عوامل آن

گوش و چشم و دل ابزار معرفت معرفی شده‌اند: «بگو: اوست خدایی که شما را از نیستی به هستی آورد و دو گوش و چشم (شنوا و بینا) و دل (هوشیار) به شما عطا کرد (تا شکر نعمتش گویند) حال آنکه بسیار کم از نعم او شکرگزاری می‌کنید (۳۷). اگر امروزه شاهد بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی هستیم، در قلب بیمار و ناسالم ریشه دارد، قلبی که کانون اصلی روح انسانی است و سعادت و شقاوت آدمی از آنجا نشئت می‌گیرد. از اینرو، توجه به پاک‌ی دل و نقش آن در کسب سلامت معنوی و راه‌های تأمین این نوع از سلامت و همچنین تلاش برای ارتقای آن می‌تواند بر دیگر ابعاد سلامت تأثیر داشته باشد و در نهایت سلامت را برای کل جامعه به ارمغان آورد (۳۸).

۲-۱- موعظه و تاثیر آن بر حیات معنوی قلب

علی (ع) می‌فرماید: «پسرم) قلب خویش را با موعظه زنده کن و هوای نفس را با زهد (و بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا) بمیران. دل را با یقین نیرومند ساز و با حکمت و دانش نورانی و با یاد مرگ رام نما و آن را به اقرار به فناء دنیا وادار» (۳۹).

در مناجات خسته عشر می‌خوانیم: و امان قلبی عظیم جنایتی - بزرگی جنایتیم قلبم را میرانده است؛ فاحیه بتوبه منک - پس آن را با توبه و بزرگی جنایتیم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و خواسته‌ام و امیدم، مرگ و حیات را به قلب نسبت می‌دهد. قلب مرده با توبه زنده می‌شود (۴۰).

۲-۲- ترس از خدا

«ای پسرم! تو را سفارش می‌کنم به ترس از خدا، و پیوسته در فرمان او بودن و آبادان نمودن دل با یاد او» (۴۱).

۲-۳- یاد مرگ و اقرار گرفتن از نفس در مورد حقانیت مرگ

علی (ع) فرمود: هر کس از درون خود واعظی داشته باشد، خداوند حافظ است (۴۲).

گاهی بعضی از حوادث خودش موعظه هست مثل حادثه مرگ. علی (ع) فرمود: «بهترین واعظ برای شما مسئله‌ی مرگ است، مردگانی را که بدون اختیار خودشان آن‌ها را به سوی قبرهایشان می‌برند برای شما به عنوان بهترین واعظ کافی است» (۴۳).

حضرت در ادامه نامه‌ی خود به فرزندش می‌فرماید: «و ذلله بِذِكْرِ الْمَوْتِ ... و قلب و روح خود را با یاد مرگ رام کن و او را متقاعد کن که روزی می‌میرد و پایان زندگی دنیوی تو فناء و نیستی است» (۴۲).

۲-۴- پارسایی و پرهیزگاری

حضرت امیر (ع) در این عبارت نورانی در نامه‌ی خود به فرزندش می‌فرماید: «به وسیله‌ی زهد قلب خود را بمیران» (۴۲).

علی (ع) می‌فرماید: به راستی که دنیای شما در نزد من پست‌تر از برگ است در دهان ملخی که آن را می‌جود. علی را چکار با زندگی به ظاهر خوشی که ره به فنا می‌رود و لذتی که پایدار نمی‌ماند. به خدا پناه می‌بریم از خواب‌رفتگی عقل و غافل ماندن انسان از حقیقت دنیا و پناه می‌بریم به خدا از زشتی لغزش و خطا (۴۴).

کلام نورانی امام الزاهدین علی (ع) است که فرمود:

«تمام زهد در میان ۲ کلمه است، این دو کلمه در قرآن است. خداوند می‌فرماید: بر آنچه از دست شما رفت، غمگین نشوید و به آنچه را که خدا به شما می‌دهد، خوشحال نگردید و کسی که بر گذشته افسوس نخورده و به آینده شادمان نگردد هر ۲ جانب زهد را به دست آورده است» (۴۵).

۲-۵- یقین

از دیگر آثار و ثمرات یقین زهد است؛ زیرا کسی که یقین به فنا و زوال دنیا دارد، هیچ‌گاه به آن دل نمی‌بندد.

امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «زهد ثمره یقین است» (۴۶).

کسی که یقین دارد در عالم هستی مؤثری جز خدا نیست، در تمام امورش فقط به خدا توکل نموده و اعتمادش تنها به قدرت لایزال الهی می‌باشد که یکی دیگر از آثار یقین است.

علی (ع) می‌فرماید: «توکل نشانه قوت یقین است» (۴۷).

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «رضا ثمره یقین است» (۴۸).

علی (ع) می‌فرماید: «با دادن صدقه، روزی را طلب کنید، چون کسی که به گرفتن عوض یقین دارد، در بخشیدن سخاوتمند است» (۴۹).

۲-۶- باز شدن چشم دل

تعبیرات دیگری که از امام (علیه‌السلام) نقل شده نیز این معنا را تأیید می‌کند. از جمله در تعبیری می‌خوانیم: «چشم راهنمای قلب است» (۵۰).

در تعبیر دیگری می‌فرماید: «العین برید القلب؛ چشم همچون نامه‌رسان قلب است» (۵۱).

مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار تعبیر دیگری از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نقل کرده است: سؤال شد که چگونه انسان می‌تواند چشم (از ناروایی‌ها) بیوشد؟ فرمود: از طریق قرار گرفتن تحت سلطه خداوندی که مطلع از اسرار توست و چشم، جاسوس قلب است و نامه‌رسان عقل. چشمت را از آنچه مناسب دین تو نیست و قلب و عقلت آن را انکار می‌کند بیوشان» (۵۲).

قرآن مجید نیز می‌گوید: «آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر، نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود» (۵۳).

۲-۷- تاثیر اخبار گذشتگان

امام علی (ع) در ادامه وصیت خود به امام حسن مجتبی در مورد تاثیر اخبار گذشتگان بر سلامت معنوی قلب می‌فرماید: «ای فرزندم گرچه من به واسطه‌ی محدودیت عمر خود نتوانسته‌ام زندگی و حیات مردم پیش از خود را درک کنم ولیکن در اعمال و رفتار آنان نیک تأمل کردم و در اخبار آن‌ها تأمل نمودم و در آثارشان سیر و غور کردم آن چنان که گویی پیوسته یکی از آنان به شمار می‌آمدم و با آن‌ها معیت و ملازمت داشته‌ام و به واسطه اطلاع و اشراف بر جمیع کردار و رفتار آن‌ها گوئی از ابتدا خلقت بشر تا آخر آن روزگار گذرانیده‌ام و کردار شایسته‌ی آن‌ها را از ناشایست تشخیص دادم و آنچه مفید است از آنچه باعث زیان و ضرر آدمی است باز شناختم. پس از هر شیوه و روشی که مشاهده کردم برگزیدم و زلال آن را برای تو فراهم آوردم و بهترین آن را برای تو برگزیدم و از طرح و بیان موارد مشکوک و شبهه‌ناک اجتناب ورزیدم و چنین یافتم مانند پدری دلسوز و نگران به آینده و صلاح فرزند خویش که از سختی‌ها و مشکلاتی که ممکن است برای فرزندش پیش آید خود را در تعب و فشار و تشویش می‌یابد و عزم و اراده خود را بر تربیت و ادب کردن او راسخ و جدی می‌بیند می‌خواهم این مقصود و مهم در تو محقق گردد؛ در حالی که تو در عنفوان جوانی رو به سوی زندگی خویش داری و روزگارت را به بهترین شرایط حیات که توأم با نیت خالص و نفس و روان صاف است سپری می‌کنی» (۴۲).

۲-۸- تاثیر گوش و چشم بر سلامت معنوی قلب

۲-۸-۱- ارتباط چشم و دل

در یکی از حکمت‌های نهج‌البلاغه، قلب به‌عنوان کتاب چشم معرفی شده است: برای این کلام حکیمانه دو تفسیر مختلف شده است: نخست اینکه «قلب، کتاب چشم است (و آنچه انسان با چشم می‌بیند و می‌آزماید در قلبش نقش می‌بندد» (۳۹). در تفسیر دوم، مفهومی درست مقابل تفسیر اول مورد توجه قرار گرفته و آن این که آنچه در قلب و درون روح انسان باشد، در چشمان او نمایان است. در واقع چشم تابلویی است برای اسرار درون. شبیه به همین تعبیر را در ضمن جمله‌ای دیگر از امام علی (ع) می‌بینیم: «هیچ کس چیزی را در ضمیر و درون خود پنهان نمی‌کند مگر این که در سخنان (بی‌اندیشه) او و در رخسارش نمایان می‌شود» (۴۰) و این همان چیزی است که در ضرب‌المثل فارسی خود نیز داریم: رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر (۵۴).

مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار تعبیر دیگری از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نقل کرده است: سؤال شد که چگونه انسان می‌تواند چشم (از ناروایی‌ها) بیوشد؟ فرمود: از طریق قرار گرفتن تحت سلطه خداوندی که مطلع از اسرار توست و چشم، جاسوس قلب است و نامهرسان عقل. چشمت را از آنچه مناسب دین تو نیست و قلب و عقلت آن را انکار می‌کند بیوشان» (۵۲).

تعبیرات دیگری که از امام (علیه‌السلام) نقل شده نیز این معنا را تأیید می‌کند. از جمله در تعبیری می‌خوانیم: «العین رائد القلب؛ چشم راهنمای قلب است» (۵۵). در تعبیر دیگری می‌فرماید: «چشم همچون نامهرسان قلب است» (۵۶). «چشم‌ها، پیشقراولان دل‌هایند» (۵۷)، «نگاه، قاصد دل است» (۵۸). «چشم، بَلَد فتنه‌ها (گناهان) است» (۵۹). «چشم، جلودار فتنه‌ها (گناهان) است» (۵۲). «چشم، جاسوس دل و قاصد خرد است» (۶۰). «نگاه انسان، بَلَد دل اوست» (۶۰). «دل، کتاب دیده است» (۶۱).

قرآن کریم ارتباط معنوی گوش و قلب را این‌گونه بیان می‌نماید: «در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری داشته باشد یا گوش فرا دهد و توجه کامل کند و گواهی دهد» (۶۲).

۲-۸-۲- قلب به منزله دریچه چشم: بنابر این تعبیر، قلب همچون کتاب پرمطلبی است که مطالب خود را از دریچه چشم بیرون می‌فرستد، و از نگاه و دید افراد، بسیاری از مطالب درونشان را می‌توان درک کرد.

و به گفته شاعر عرب:

إِنَّ الْعَيْنَ لَتُبْدِي فِي تَقْلِبِهَا *** مَا فِي الضَّمَائِرِ مِنْ وَدٍّ وَمِنْ حَقِّقِ

چشم‌ها در گردش خود آشکار می‌سازد آنچه در درون، از محبت و عداوت است و شاعر دیگر می‌گوید:

تَخْبِرُنِي الْعَيْنَانِ مَا الْقَلْبُ كَاتِمٌ *** وَمَا جَنَّ بِالْبَغْضَاءِ وَالنَّظَرِ الشَّرِّ (۶۳).

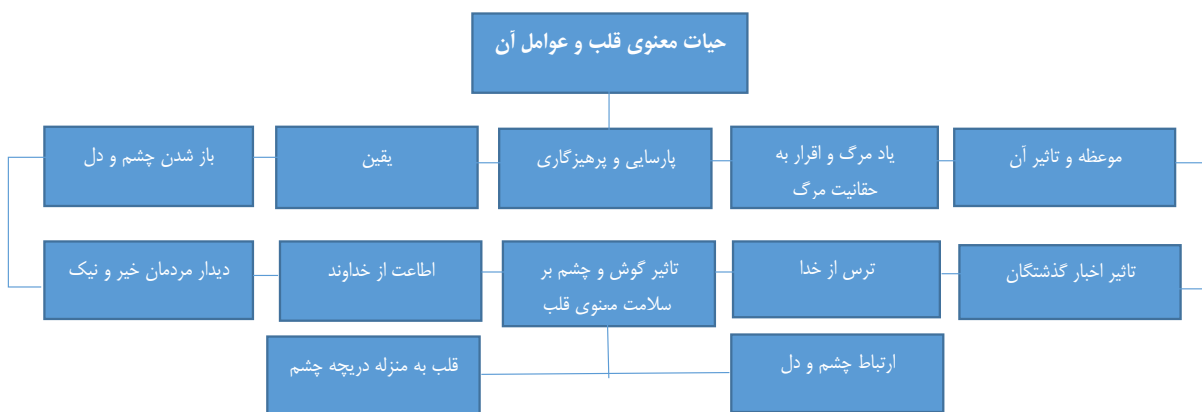
چشم‌ها به من خبر می‌دهد آنچه را که در دل پنهان است؛ و آنچه از کینه‌ها و عداوت‌ها در دل وجود دارد از نگاه‌های غضب‌آلود که با گوشه چشم می‌شود ظاهر می‌گردد.

ولی قرائن نشان می‌دهد که معنای اول مناسب‌تر است. بعضی از شارحان نهج‌البلاغه احتمال دیگری نیز داده‌اند که مناسب به نظر نمی‌رسد؛ لذا از ذکر آن خودداری کردیم.

۲-۹- اطاعت از خداوند: اطاعت از خداوند یکی از راه‌های آبادی قلب معرفی شده است «خداوندا قلب مرا با اطاعت از خودت آباد نما» (۶۴).

۲-۱۰- دیدار مردمان خیر و نیک: «دیدار مردمان اهل خیر و نیکی، باعث آباد کردن دل است» (۶۵).

جدول شماره ۱



۳- ممات معنوی قلب و عوامل آن

۳-۱- مسئولیت گوش و چشم و قلب

پس از بحث تواضع، حضرت (ع) به دو صفت دیگر از اوصاف اهل تقوا اشاره می‌فرماید: «چشمان خویش را از آنچه خداوند بر آن‌ها تحریم نموده، پوشیده‌اند و گوش‌های خود را وقف شنیدن علم و دانش سودمند ساخته‌اند» (۶).

«غَضُوا» از ریشه «غَضَّ» در اصل به معنای کم کردن است و هنگامی که در مورد چشم به کار می‌رود، معنای فرو افکندن می‌دهد، یعنی سر را به زیر اندازد و نگاه نکند که ما در تعبیرات فارسی به جای آن چشم‌پوشی به کار می‌بریم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است * و به زنان بالیمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند... (۶۶).

امیر کلام مولا علی بن ابی‌طالب (ع) در ادامه سخنان شیوای خود و در بیان اوصاف پرهیزکاران به مطلبی اشاره می‌فرماید که بسیار مهم و اساسی است. برای انسانی که طالب خروج از زندگی حیوانی و ورود به حیات طیبه و انسانی است، لازم است که گوش خود را وقف علم کند و از استماع هر آن چیزی که بر دانسته‌های او نمی‌افزاید پرهیز نماید. تازه همین هم کفایت نمی‌کند؛ چرا که هر علم و دانشی با مقام تقوا و پرهیزکاری سنخیت و تناسب ندارد. چه بسیار دانسته‌هایی که صاحب خود را به ورطه هلاکت می‌کشاند و یا این که نه تنها هیچ سودی برای او ندارد، بلکه باعث تضییع عمر او و از دست دادن فرصت‌ها نیز می‌شود. و از آن جایی که به فرموده مولا امیرالمؤمنین (ع): «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». فرصت مانند حرکت ابرها می‌گذرد (۶۷).

آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب "پیام امام امیرالمؤمنین (ع)" در این رابطه می‌نویسد: «اهل تقوا» در حال نعمت مست و مغرور نمی‌شوند و در بلا و مشکلات بی‌تابی و جزع ندارند؛ در همه حال راضی به رضای خدا و تسلیم در برابر اراده او هستند. به یقین از تلاش و کوشش برای مبارزه با مشکلات و فراهم کردن اسباب نعمت‌ها فروگذار نمی‌کنند؛ ولی آن جا که از تحت اراده آن‌ها بیرون است، جز تسلیم و رضا عکس‌العملی نشان نمی‌دهند؛ زیرا از یک سو می‌دانند خداوند حکیم است و مهربان؛ از هر کس حتی از مادر مهربان‌تر و جز آنچه که مصلحت بنده بالیمان اوست، مقدر نمی‌فرماید. از سوی دیگر می‌دانند بی‌تابی در برابر بلا و حوادث ناگوار نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه اجر و پاداش آن‌ها را بر باد می‌دهد و گاه بر مشکلات نیز می‌افزاید و سبب یأس و نومیدی و انفعال در برابر هر حادثه‌ای می‌شود» (۶۸).

۳-۲- چشم و مراقبت آن از حمله و هجوم روزگار

علی (ع) در مورد چشم و مراقبت آن از هجوم مسائل زمان می‌فرماید: «چشم، ابزار هشیاری است» (۶۹). نویسنده معروف مصری، محمد عبده در شرح نهج‌البلاغه خود در شرح این کلام می‌گوید: این سخن در واقع مثالی است برای فایده چشم در حفظ انسان از آنچه از پشت سرش (ناآگاهانه) ممکن است به او برسد و این که فایده چشم تنها این نیست که صاحبش را از آنچه در برابر اوست حفظ کند، بلکه باید از آنچه پشت سر اوست نیز آگاه گردد و وی را حفظ کند و این در واقع ارشادی است به وجوب بینا بودن در مواردی که غفلت‌زاست. و در پایان می‌گوید: آنچه سزاوار سخنی است که از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) یا از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در این زمینه نقل شده، همین است (۷۰).

۳-۳- فلسفه تقدم گوش بر چشم و دل

واژه «سمع» و «بصر» در کنار هم، ۱۹ بار در قرآن وارد شده است و در ۱۷ مورد از این تعداد، کلمه «سمع» قبل از «بصر» آمده است. گوش و شنوایی از جهات گوناگون نقش بسیار موثر در معلومات آدمی ایفا می‌کند. از آن جمله قرآن یکی از علل جهنم رفتن جهنمیان را گوش نسپردن به پند و اندرزها معرفی می‌کند. تقدم گوش بر چشم در قرآن و نهج‌البلاغه، تقریباً یک اصل است و این حکایت از جایگاه استثنایی گوش و شنوایی دارد (۷۱).

۳-۴- هوای نفس و تاثیر آن بر مرگ معنوی قلب

علی (ع) در مورد تاثیر تبعیت از هوای نفس بر مرگ معنوی قلب می‌فرماید: «ای مردم، آنچه بیش از هر چیز دیگر می‌ترسم که بدان گرفتار آید، دو چیز است، از هوا و هوس پیروی کردن و آرزوهای دراز در دل پروردن. پیروی هوا و هوس از حق منحرف می‌کند و آرزوهای دراز، آخرت را از یاد می‌برد» (۷۲). «سمع» دروازه قلب است. خدا بر دل‌ها و گوششان مهر نهاد و بر چشمانشان پرده‌ای است (۷۳). آیا او را که خواهش خود را خدای خویش ساخت و خدا او را از روی آگاهی گمراه کرد و بر گوش و قلبش مهر نهاد و بر چشمش پرده زد، دیدی؟ چه کسی پس از خدا او را راهنمایی خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ (۲۷).

در آیه زیر نیز ارتباط قلب و سمع به صورتی زیبا و با رعایت این ظرافت بیان شده است. این آیه از قلب شروع می‌شود و به «سمع» منتهی می‌گردد: چشمان خویش را از آنچه خداوند بر آن‌ها حرام کرده فرو می‌گیرند و نظر را کوتاه می‌کنند و گوش‌های خود را وقف شنیدن علم و دانش سودمند می‌سازند. شرح: در ادامه بحث به صفت چهارم و پنجم پرهیزکاران می‌رسیم که چشم‌هایشان را از آنچه حرام است می‌پوشانند و گوش‌هایشان را هم وقف علوم و دانش‌هایی می‌کنند که به حال آن‌ها نافع و سودمند باشد. از سخنان بیهوده که موجب خشم خدا و رسول است، دوری می‌گزینند، چنان که قرآن در مقام توصیف آن‌ها می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»: «آن‌ها کسانی هستند که از لغو اعراض می‌کنند» (۷۴) «و زمانی که لغو را می‌شنوند از آن اعراض می‌کنند» (۷۵).

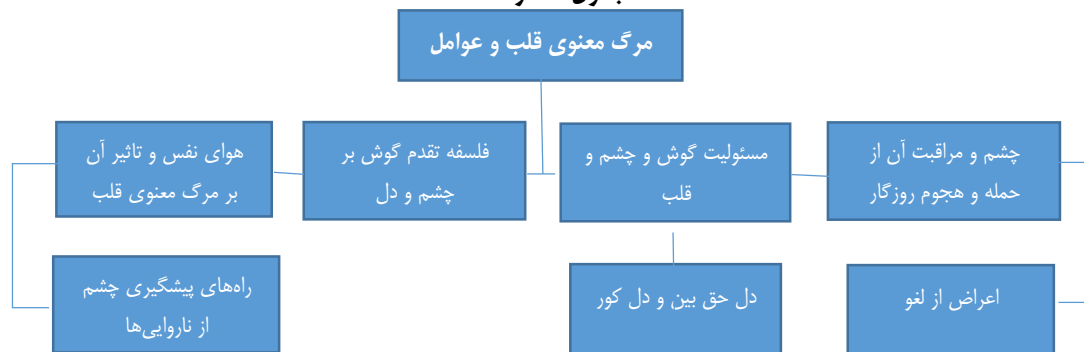
۳-۵- اعراض از لغو

روایت شده که کمتر اتفاق می افتاد که امام علیه السلام بر منبر بنشیند و پیش از خطبه چنین نفرماید: ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید (و بدانید) هیچ کس بیهوده و عبث آفریده نشده که دائماً به لہو (و سرگرمی های مختلف) بپردازد و هیچ کس مهمل و بی هدف رها نشده تا به کارهای لغو و بی ارزش مشغول شود (هرگز) دنیای دلپسندش جای آخرتی را که با بدنگری، زشت در نظرش جلوه کرده است، نخواهد گرفت و آن فریب خورده ای که با برترین کوشش بر دنیا ظفر یافته همچون کسی نیست که به کمترین سهم خود از آخرت دست یافته است (۷۶).

۳-۶- راه های پیشگیری چشم از ناروایی ها:

امام علی (علیه السلام) در بخشی از خطبه متقین در بیان اوصاف آن ها می فرماید: «روشنی چشمش در چیزی است که زوال در آن راه ندارد» (۲۳). و فرمود: «دل صحیفه دیده است که هر چه دیده بیند در دل نقش شود. از طریق قرار گرفتن تحت سلطه خداوندی که مطلع از اسرار توست» (۳۹). همچنین می فرماید: «چشم، جاسوس قلب است و نامهرسان عقل. چشمت را از آنچه مناسب دین تو نیست و قلب و عقلت آن را انکار می کند بپوشان» (۳۹).
دل حق بین و دل کور: امام (ع) در مورد دل درک کننده حقیقت و دل کور می فرماید: «دل ها را میل و هوایی است و روی آوردنی و پشت کردنی. هر زمان که خود روی آوردند، به کارشان گیرید؛ زیرا اگر دل ها را به اکراه به کاری وادارند، کور شوند (۷۷).

جدول شماره ۲



۴- ارتباط معنوی دل و چشم در شعر:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز پولاد
زنم بر دیده تا دل گردد آزاد (۷۸).

نتیجه گیری

نتایج نشان داد با توجه به ماهیت و تعریف قلب در نهج البلاغه، قلب افزون بر حیات و ممت فیزیکی، دارای مرگ و حیات معنوی نیز می باشد. حیات و ممت معنوی قلب وابسته به عواملی است که ذکر مرگ، موعظه، گوش دادن به علم سودمند از جمله عوامل احیاگر قلب معرفی شده اند. چشم و گوش همچون یک موجود با شعور، مسئول قلمداد شده و به صیانت و مراقبت از آن توصیه های اکید شده است. اهمیت گوش به مراتب بیشتر از چشم بوده و از این منظر گوش مقدم بر چشم ذکر گردیده است. آسیب زاترین عوامل برای بیماری های معنوی قلب از ناحیه گوش و چشم متوجه روح انسان می شود. از جمله این عوامل می توان به تبعیت از هوای نفس، عدم اجتناب از لغو و سخنان بیهوده و باطل، وابستگی به پدیده های زودگذر و ناپایدار و قابل زوال می باشد. گوش، چشم و قلب در یک برهم کنش متقابل اند و واردات گوش و چشم در محتوا و مکونات قلبی انسان نمود پیدا می کند و چشم تابلوی قلب و نمایانگر محتوای آن می باشد و همچنین دل دفتر چشم بوده و چشم به منزله قلم هر چه را دید در صفحه کتاب دل به رشته تحریر در می آورد. هر از گاهی دیده مظهر مکونات قلبی تلقی می شود. سفارش امام علی (ع) در مورد تاثیر واردات گوش و چشم بر صافی و ناصافی دل در قالب خطاب های جمعی به صورت جمع و در قالب خطاب های مفرد ولی به مفهوم جمع ارائه شده است. به طور مثال اگرچه نامه ۳۱ نهج البلاغه سفارش های امام علی (ع) خطاب به امام حسن مجتبی (ع) بوده است ولی مخاطب آن نامه

جامعه به صورت کلان و دایره شمول نامه همه انسان‌ها و همه جوامع بوده است. امام (ع)، در «خطاب جمع به لفظ مفرد» لفظ مفرد می‌آورد و از آن قصد جمع می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر، مسائل اخلاقی به‌طور کامل رعایت شده است.
تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌نمایند که تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از مدیریت گروه علوم پایه، و مسئولین محترم دانشکده پیراپزشکی که در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

References

1. Nahj al-Balagha; Hadith 401.
2. Tajbakhsh I. Eyes from Rumi's point of view in Masnavi Manavi. Journal of the Faculty of Literature and Humanities. 2002; 62(163): 427-38. [In Persian]
3. Translation and description of sermon 87 of Nahj al-Balagha; First part: The most beloved servant of God. Ahl al-Bayt (peace be upon him) research and publication institute. Available at: <https://ahlolbait.com/content/12953>. [In Persian]
4. Mohaddesi J. Look with the eyes of the heart. Magazine Porsman. 2004; 28: p.25. [In Persian]
5. Fathollahi I, Ghasemi M. The vision of the heart and its effect in choosing a real leader in verses 71 and 72 of Surah Isra. Mashkwa magazine number 11. 2011; pp.43-44.
6. Nahj al-Balagheh; sermon 183.
7. Rahmanzadeh SA. Function of Virtual Social Network in Globalization Period. Journal of Strategic Studies of Public Policy. 2010; 1(1): 49-78. [In Persian]
8. Nahj al-Balagheh; Hikmat 8.
9. Mozaffari F. Insight in the words of Hazrat Ali (AS). Society letter 2014; No. 10 and 11. [In Persian]
10. Nahj al-Balagheh; Sermon 97.
11. Nahj al-Balagheh; Hikmat 289.
12. Nahj al-Balagha; Hikmat 381.
13. Hafiz SH. The divan of Hafiz. Ghazal 357.
14. Arfa K. Hadith of Life: Commentary on the wisdom of Nahj al-Balagheh, Tehran: Payam Adalat; 2011. [In Persian]
15. Farhang (New) Arabic-Persian, Manjad al-Taladam, Translation by Mohammad Band Rigi. Har Publications. first edition. 1995. [In Persian and Arabic]
16. Moin M. Farhang Farsi. Vol 3, under article K. Tehran, Sepehr printing house; 1992. [In Persian]
17. Mirzababai SM. The conceptual metaphor of hearing and permission in the Qur'an. Mind of winter; 2016; 72. [In Persian]
18. Nahj al-Balagheh; Sermon 4.
19. Nahj al-Balagheh; Sermon 76.
20. Jalaluddin Mohammad bin Mohammad M. Diwan Shams, Ghazalyat, 2002; Ghazal No 2853. [In Persian]
21. Shujaei M. Theoretical foundations of cultivation. Vol 2. Qom: Tebian Cultural and Information Institute; 2008. [In Persian]
22. Nahj al-Balagha; Hikmat 157.
23. Nahj al-Balagheh; Sermon 193.
24. Human eye Structure, Building and Anatomy - In Plain Language; 2023. Faradars, Available at: <https://blog.faradars.org>. [In Persian]
25. Nahj al-Balagheh; Sermon 153.
26. Holy Quran; Surah Qaf, Verse 22.
27. Holy Quran; Surah Jathiyah, Verse 23.

28. National Center for Answering Religious Questions. Definition of a few words, description 1- What is the heart? 2010. Article ID: 14090. Available at: <https://www.pasokhgoo.ir/node/14090>.
29. Sobhi S. Nahj Al-Balagha; sermon 82. p. 106. Qom: Islamic Research Center; 1995. [Arabic]
30. Sobhi S. Nahj Al-Balagha; sermon 177. p. 256. Qom: Islamic Research Center; 1995. [Arabic]
31. Sobhi S. Nahj Al-Balagha; sermon 10. p. 54. Qom: Islamic Research Center; 1995. [Arabic]
32. Faali MT. Heart. Gabasat. 2001; 6(19): 68-77. [In Persian]
33. Naderi M. Semantic Analysis of Heart in Nahj al-Balaghah and Its Educational Implications. Journal of Nahjolbalagheh. 2023; 22(3): 123-43. [In Persian]
34. Abadis dictionary. under the subject of the heart. [In Persian]
35. Nahj al-Balagha; Hikmat 108.
36. Dictionary of Qur'anic sciences, taken from the article "Addressing the plural to the singular" Islamic encyclopedia. [In Persian]
37. Holy Quran; Surah Al-Mulk, Verse 23.
38. Jalaei Nobri H. Heart and spiritual health. Journal of research in religion and health, electronic publication: 2017; 1 December 9. [In Persian]
39. Nahj al-Balagha; Hikmat 409.
40. Nahj al-Balagha; Hikmat 26.
41. Hafiz SH. The divan Hafez. Ghazal 309.
42. Nahj al-Balagheh; Letter 31.
43. Nahj al-Balagha; sermon 88.
44. Nahj al-Balagha Faiz al-Islam; sermon 215.
45. Nahjul Balagha Faizul Islam; Aphorisms 431.
46. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation. 2016; Vol. 1. p. 190.
47. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation. 2016; Vol 1. p. 184.
48. Khawansari M. Sharh Gharral al-Hakm and Darr al-Kalam, Tehran University Printing and Publishing Institute. 2005; Vol 1. p. 190. [In Persian]
49. Nahj al-Balagha; Faiz al-Islam, Hikmat 132, p. 1152.
50. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation. 2016; Vol 1. p. 158.
51. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation. 2016; H 660.
52. Majlesi MB. Bihar Al-Anwar. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 1995. Vol 101. p. 41. [Arabic]
53. Holy Quran; Surah Hajj, Verse 46.
54. Makarem Shirazi N. Commentary on Wisdom 409 of Nahj al-Balagha. Available at: <http://nahj.makarem.ir/wisdom/1378>
55. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 2016. The same, H 668.

56. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 2016. H 405.
57. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 2016.H 1047.
58. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 2016. p. 51.
59. Majlesi MB. Bihar Al-Anwar. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation ; 1995. Vol 104. p. 52 [Arabic]
60. Bin Muhammad Tamimi Amdi A. Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 2016. H 7626.
61. Majlesi MB. Bihar Al-Anwar. Qom: Farhangi Dar Al-Hadith Foundation; 1995. Vol. 75, p. 23. [Arabic]
62. Holy Quran; Surah Qaf, Verse 37.
63. Ibn Abi al-Hadid Izz. Explanation of Nahj al-Balagha. Vol. 20, p. 46.
64. Tusi M. Al-Mutahjad and Selah Al-Mutabad. Qom: Shia Fiqh Institute, 1990. Vol 1., p. 362. [Arabic]
65. Majlisi MB. Bihar al-Anwar. Beirut: 1995. C74. p. 208. [Arabic]
66. Holy Quran; Surah Noor, Verse 30.
67. Nahj al-Balagha Faiz al-Islam, p. 1086.
68. Makarem Shirazi N. The message of Imam Amirul Momineen. Qom: Darul Kitab al-Islamiyyah, 2007; Vol 7, p. 539. [In Persian]
69. Nahj al-Balagha; wisdom 466.
70. Abdo and Description of Nahj al-Balagheh. Translation: Ali Asghar Faqihi. Tehran: 1995.
71. Rajab Nejad M. Examining the place of ear and eye in the Quran and Nahj al-Balaghah and the philosophy of ear over eye precedence in the Quran and Nahj al-Balaghah (English). Qur'an and Medicine Journal. 2014; 1. [In Persian]
72. Nahj al-Balagha; Sermon 42.
73. Holy Quran; Surah Baqarah, Verse 27.
74. Holy Quran; Surah Mominun, Verse 3.
75. Holy Quran; Surah Qasas, Verse 55.
76. Nahj al-Balagha; Hikmat 173.
77. Nahj al-Balagha; Hikmat 193.
78. Babataher "Dubitiha" Doubity issue 23.